

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۶/۲۳

سیاست‌گذاری‌های آموزشی نهادهای برآمده از مشروطه

در اولین دوره مجلس شورای ملی

ابراهیم بوجانی

کارشناس ارشد تاریخ

چکیده

گفتمان حاکم بر نظام آموزشی ایران قبل از مشروطه، گفتمانی سنتی بود و بیشتر تحت نفوذ نهادهای حاکم بر جامعه قرار داشت. این نهادها بنا بر ماهیت خود با تحوّل در نظام آموزشی، مخالفت می‌ورزیدند؛ اما مشروطه بر نظام آموزشی، مؤثر افتاد. مجلس اول و دولت‌های هم‌عصرش با تصویب قوانین و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با نظام آموزشی، فرصتی مناسب، قانونی و مستقل از خواست طبقات حاکمه را برای احداث مدارس و فعالیت‌های فرهنگی فراهم کردند. انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های ملی نیز با تلاش گسترده‌ای که در مناطق مختلف داشتند، توانستند مدرسی را با برنامه‌های نوین آموزشی احداث کنند و به نشر دانش و توسعه معارف همّت گمارند. نگارنده در این مقاله تلاش دارد تا قانون‌گذاری‌های نهادهای رسمی و غیررسمی برآمده از مشروطه (مجلس، دولت و انجمن‌ها) را در راستای استقرار گفتمان نوین آموزشی مورد واکاوی و تأمل قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: مجلس اول شورای ملی، دولت، انجمن‌ها، نظام نوین آموزشی.

واکاوی گفتمان و ساختار آموزشی ایران سال‌هاست که ذهن اندیشمندان و محققان این حوزه را به خود مشغول داشته است. بررسی نظام آموزشی ایران در ابتدای قاجار، سنتی بودن آن را نشان می‌دهد. فرایند آموزش عمدتاً در مکتب‌خانه‌ها صورت می‌گرفت. این مکتب‌خانه‌ها سه گونه متمایز و مشخص داشتند. گسترده‌ترین گونه آن‌ها «مکتب‌خانه‌های عمومی» بودند که به قول عبدالله مستوفی در آن «قرآن و فارسی» آموخته می‌شد.^۱ نوع دیگر مکتب‌ها «مکتب آخوند باجی‌ها» بود. هدف از فرستادن اطفال به این مکتب‌ها تربیت یافتن و سواد پیدا کردن نبود، بلکه از آن‌جا که در خانه ماندن، موجبات زحمت و اذیت اهل خانه را فراهم می‌آورد، به مکتب فرستاده می‌شدند و به مجرد اینکه به سن ده - دوازده سالگی می‌رسیدند، آن‌ها را از مکتب بیرون آورده و به کاری که مایه درآمد باشد، وامی‌داشتند.^۲ مکتب‌خانه‌های خصوصی نوع سوم مکتب‌ها بودند که کودکان علما و روحانیون درجه اول و اعیان و اشراف در آن درس می‌خواندند؛ این‌گونه آموزش در منزل اعیان در همه جا دایر بود، و در آن آموزش بر عهده فردی بود که به وی «معلم سرخانه» می‌گفتند.^۳

انعکاس منابع از وضعیت آموزشی در این مکتب‌ها حکایت از مکان و شیوه نامناسب و ناهمخوانی مواد درسی با مقتضیات سنتی شاگردان^۴ و رواج شدید تنبیهات بدنی^۵ دارد؛ همین ناهماهنگی‌ها سبب ناکارآمدی نظام آموزش سنتی دوره قاجار شد و انتقاداتی را در پی داشت؛ به طوری که در نوشته‌های بسیاری از هم‌عصران، نحوه آموزش، «طوطی‌وار»^۶ و بسیار نارسا و نادرست^۷ معرفی می‌شد؛ کاستی‌های نظام سنتی از سویی و شکست‌های پیاپی حاصل از جنگ‌های ایران با همسایگان از سویی دیگر، موجب آگاهی عده‌ای از زمامداران مملکت، از ضعف نظام آموزشی گردید و عزم ایشان را جهت اخذ فرهنگ و تمدن غرب جزم نمود. در این راه، اقدامات عباس میرزا در اعزام دو گروه محصل به اروپا، احداث دارالفنون توسط امیرکبیر و استخدام معلمینی از آلمان و پروس^۸ و اقدامات سپهسالار از جمله بنای دومین دارالفنون در تبریز^۹ و تأسیس مدرسه مشیریه در ذی‌الحجه ۱۲۸۹^{۱۰} قابل ذکر است. با وجود این گام‌های مثبت، واقعیت این است

۱. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱ (تهران: زوار، ۱۳۷۷، چاپ چهارم)؛ ص ۲۲۱.

۲. فرهنگ اصفهان، ش: ۶۳۹ (۱۷ جمادی الثانی ۱۳۰۶)؛ ص ۱.

۳. قاسمی‌پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجاریه؛ بنیان و پیشروان (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷)؛ ص ۸۱.

۴. موسوی، محمد مهدی (به کوشش)، خاطرات احتشام‌السلطنه (تهران: زوار، ۱۳۶۷، چاپ دوم)؛ ص ۱۰.

۵. براون، ادوارد گرانویل، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه (تهران: ماهریز، ۱۳۸۱)؛ ص ۲۲.

۶. مستوفی، همان؛ ص ۲۱۹.

۷. کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران (تهران: مجید، ۱۳۷۸، چاپ سوم)؛ ص ۷۷.

۸. وقایع اتفاقیه، ش: ۴۲ (۲۶ محرم ۱۲۶۸)؛ صص ۱-۲.

۹. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه)، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴، چاپ دوم)؛ ص ۱۵۷.

۱۰. اعتمادالسلطنه، محمدحسن، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳ (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷)؛ ص ۱۹۳۶.

که نظری بودن،^۱ ماهیت نظامی رشته‌های مورد تدریس^۲ و مخصوصاً بیزاری ناصرالدین شاه از دارالفنون،^۳ عواملی بودند که باعث شدند در نظام آموزشی مملکت ایران، تحوّل اساسی به وجود نیاید و آموزش با رضایتمندی توأم نباشد؛ به طوری که احتشام‌السلطنه از هشت سال تحصیل خود در دارالفنون با عنوان «تلف کردن عمر» یاد کرده است.^۴ راهکارها و اقدامات فرهنگ‌دوستانی چون رشیدیه و یحیی دولت‌آبادی در باب احداث مدارس و تألیف کتب و حتی تأسیس انجمن معارف نیز نتوانست نظام آموزشی را بر بنیان محکمی استوار کند. مخالفت با دولت‌آبادی به بهانه ازل بودن وی از جانب افرادی چون شیخ علی زرنندی^۵ و «تکفیر و تنجیس» رشیدیه^۶ و هم‌چنین دخالت در امور انجمن معارف و شبه‌دولتی کردن این تلاش مدنی،^۷ همه ناشی از وابستگی گفتمان آموزشی به طبقات حاکمه جامعه بود که امکان هرگونه پویایی را از جامعه می‌گرفت.^۸ اما وقوع انقلاب مشروطه و تشکیل اولین مجلس شورای ملی، به‌منزله خاتمه تدریجی این وابستگی بود. چنان‌که رواج تعلیم و تربیت و عمومی شدن آن به شکلی نظام‌مند و قانونی، نشان داد که کم‌کم فرایند آموزش از حالت اتکا و وابستگی به افراد خارج می‌شود. در این نوشتار کوتاه با استفاده از روش کتابخانه‌ای، در جهت فهم تأثیر مشروطه بر نظام آموزشی، به کنکاش در سیاست‌گذاری‌های آموزشی نهادهای برآمده از مشروطه (دولت، مجلس و انجمن‌ها) در دوره اول مجلس شورای ملی پرداخته می‌شود.

فرایند توسعه معارف در نهادهای مدنی بعد از مشروطه

به دنبال پیروزی جنبش مشروطه، نهادهای متعددی در جامعه ایران به وجود آمد. از این نهادها و سازمان‌های مدنی می‌توان به مجلس و دولت‌های قانونی و احزاب سیاسی و انجمن‌ها اشاره کرد که منشأ خدماتی چند در جامعه ایران شدند. اما موضوعی که این پژوهش در پی فهم آن است، اقدامات و برنامه‌ها و پی‌گیری‌های این نهادها در زمینه نظام آموزشی و معارف است. در واقع این پژوهش به دنبال شناخت مهم‌ترین قانون‌گذاری‌ها و اقدامات این نهادهای مدنی بعد از انقلاب در زمینه نظام آموزشی در طول یک برهه تاریخی می‌باشد؛ این برهه تاریخی، دوره اول مجلس شورای ملی را در بر می‌گیرد.

۱. محبوبی اردکانی، حسین، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۱ (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، چاپ سوم)؛ ص ۸۹.
۲. رینگر، مونیکا، ام، *آموزش، دین، و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوره قاجار*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (تهران: ققنوس، ۱۳۸۵، چاپ دوم)؛ ص ۸۹.
۳. این بیزاری به دلایلی از جمله درانداخته شدن نغمه جمهوری جلال‌الدین میرزا و فعالیت شاگردان دارالفنون در فراموش‌خانه بود. (هدایت، مهدی‌قلی (مخبرالسلطنه)، *گزارش ایران (بخش گزارش دوره قاجاریه و مشروطیت)* از جلد سوم و چهارم، با اهتمام محمدعلی صوتی (تهران: نقره، ۱۳۶۳)؛ ص ۱۲۱)؛ و این نفرت به اندازه‌ای شدت داشت که ناصرالدین شاه خطاب به مخبرالدوله وزیر گفته بود که من راضی نیستم یک نفر شاگرد تحصیل کرده از دارالفنون خارج شود؛ فقط اسمی می‌خواهم که در سال‌نامه ذکر شود. (بزرگ‌امید، ابوالحسن، *از ماست که بر ماست (محتوی خاطرات و مشاهدات)* (بی‌جا، چاپ پیروز، ۱۳۳۳، چاپ سوم)؛ ص ۳۰).
۴. موسوی، همان؛ ص ۳۰.
۵. تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی، *مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت* (تهران: انتشار، ۱۳۷۹)؛ ص ۴۵۳.
۶. رشیدیه، میرزاحسن، «*خاطرات*»؛ *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم میرزاحسن رشیدیه*، به کوشش امید قنبری (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۶۸)؛ صص ۴۳-۴۵.
۷. اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره و سیروس سعدوندیان (به کوشش)، *افضل‌التواریخ* (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱)؛ صص ۲۸۶-۲۸۵.
۸. همان؛ ص ۱۸۶.

برای ورود به مبحث فعالیت نهادهای مدنی در زمینه معارف، آشنایی با ساختار این نهادها ضرورت دارد. اقدامات این نهادها در دو قسمت نهادهای رسمی و نهادهای غیررسمی بررسی می‌شود؛ نهادهای رسمی شامل اقدامات و سیاست‌گذاری‌های مجلس و دولت، و نهادهای غیررسمی شامل سیاست‌گذاری و فعالیت انجمن‌های برآمده از مشروطه مانند انجمن‌های ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی است.

قانون‌گذاری‌های آموزشی نهادهای رسمی در اولین دوره مجلس شورای ملی

مجلس اول شورای ملی در ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ افتتاح گردید. نمایندگان این دوره به موجب ماده ششم نظام‌نامه انتخابات از بین طبقات اشراف و اعیان، شاهزادگان قاجاریه، تجار، مالکان و فلاحین، روحانیون و طلاب، و اصناف انتخاب شدند. پس از ۲۰ ماه فعالیت، این مجلس نهایتاً در ۲۳ جمادی‌الأول ۱۳۲۶ به توپ بسته شد و حیات سیاسی‌اش پایان یافت.

مجلس اول یکی از بزرگترین و پرشورترین و پرکارترین مجالس ملی ایران بود که تلاش کرد مملکت را از بی‌قانونی صرف بیرون آورده و ترتیبات سیاسی گذشته را برهم زند و نظمی نوین را پایه‌گذاری کند تا هم دولت‌ها و هم خوانین و... را در مقابل خود به پاسخ‌گویی وادارد. این مجلس با تلاش بسیار توانست بودجه را متوازن و حقوق شاهزادگان را کم کرده و برای مطبوعات نیز فضایی آزاد را به وجود آورد و همچنین از قدرت محکمه‌های شرعی به نفع محکمه‌های عرفی بکاهد.^۱ به هر حال این مجلس و دولت‌های هم‌عصر آن، موفق شدند کشور را تا حدودی سامان دهند و در زمینه معارف و نظام آموزشی اقداماتی هر چند مختصر انجام دهند.

عده‌ای، از جمله عیسی صدیق، برآن‌اند که تنها اقدامی که مجلس اول در راه نشر افکار و پیشرفت معارف انجام داد، وضع قانون مطبوعات بود که آزادی جراید را تأمین می‌کرد؛^۲ اما واقعیت این است که بر اثر وقوع انقلاب مشروطه، تحوّل مهمی در نظام آموزش کشور به وجود آمد. اصل هجدهم متمم قانون اساسی اعلام می‌کرد:

تحصیل و تعلیم علوم و صنایع، آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

و اصل نوزدهم قانون اساسی مقرر می‌داشت: علوم انسانی و مطالعات فرسنگی
تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملّتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید تحت ریاست عالیّه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشند.^۳
با تصویب این دو اصل، برای اولین بار در ایران آموزش رسماً رایگان شد و به صورت اجباری درآمد. درواقع هرچند به صرف تصویب این دو اصل، نظام آموزشی دچار تحوّل نمی‌گردید ولی تصویب این اصول کافی بود تا نظام آموزشی از حالت وابستگی به اراده افراد بیرون آید، و دخالت دیرپای دربار و دولتمردان را به کلی متزلزل کند.

۱. آقاری، ژانت، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی (تهران: بیستون، ۱۳۸۵)، چاپ سوم؛ ص ۹۱.

۲. صدیق، عیسی، *تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر* (تهران: چاپ زیبا، ۱۳۵۱)، چاپ ششم؛ ص ۳۳۶.

۳. *مذاکرات مجلس، دوره اول تقنینیه* (تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۵ هـ.ش.)؛ ص ۵۸۴.

تصویب قوانینی که مرتبط با تعلیم و تربیت بودند، بستری را فراهم کرد تا آموزش به شیوه سنتی رو به ضعف بنهد. در واقع هرچند این جریان تا مدت‌ها پذیرفته نشد و سال‌های سال طول کشید که مخالفان آن به عرفی شدن نظام آموزشی تن دردهند، اما این جریان شروع شده بود و برای مخالفان خود دو راه بیشتر نگذاشته بود. آن‌ها یا باید با نظم نوین آموزشی هم‌آواز شده و آن را می‌پذیرفتند، یا اینکه بر مخالفت خود تأکید می‌ورزیدند، که در این صورت رفته‌رفته پایگاه اجتماعی خود را از دست می‌دادند.

مجلس اوّل برای وسعت دادن به آگاهی و معرفت مردم، قوانین دیگری را نیز به تصویب رسانید. اصل ۲۰ قانون اساسی در مورد مطبوعات بود. طبق این اصل، «عامّه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضرّه به دین مبین، آزاد، و ممیزی در آن‌ها ممنوع» بود.^۱ این اصل یکی از اصول مترقی در متمم قانون اساسی بود و بر اساس آن، فعالیت مطبوعات نیز به رسمیت شناخته شد. با وجودی که با قرار دادن یک استثنا در این گونه اصول، همواره راهی وجود داشت که هر روزنامه و نشریه‌ای به بهانه ضرب‌زدن به دین توقیف شود اما این مسئله نیز مانع از این نشد که مطبوعات از گسترش معارف حمایت کنند.

قانون ۵۳ ماده‌ای آزادی مطبوعات در ۵ محرم ۱۳۲۶ تصویب شد. هدف از وضع این قانون، کنترل و سانسور اداری مطبوعات بود؛ اما انتشار روزنامه‌های ملی به علت جوّ انقلابی حاکم، افزایش یافت. تعداد آن‌ها طی حدود دو سال عمر مجلس اوّل به حدود ۱۵۰ جریده و جنگ فارسی رسید.^۲ این روزنامه‌ها در تشویق مردم در حمایت از معارف و مدارس و نظام نوین آموزشی نقش اساسی داشتند. روزنامه‌نگاران گاه مقاله‌های تندی در حمایت از معارف و نظام آموزشی، و اجباری و همگانی بودن آن می‌نگاشتند که سبب دلگرمی معارف‌خواهان و حتی تشویق دولت‌ها و درباریان برای رسیدگی به این مهم می‌شد.^۳

نگاهی به پیدایش و گسترش مدارس بعد از برقراری مشروطه نشان می‌دهد که مجلس اوّل شورای ملی و دولت‌هایی که به این مجلس معرفی شدند، به مباحث آموزشی توجه نشان می‌دادند و مسائل آن را پی‌گیری می‌کردند. هرچند مشکلاتی که گریبان جامعه آن روز ایران را گرفته بود، گاهی سبب کم‌توجهی به آموزش و معارف می‌گردید اما روشن است که پس از استقرار مشروطیت در ایران، وزارت علوم اهمیتی پیدا کرد و برای این وزارت به طور معمول افراد پرجنب‌وجوش و تلاش‌گری در نظر گرفته می‌شد؛ هرچند ممکن بود که ناپایداری دولت‌ها مانع از عملیاتی شدن برنامه‌ها باشد.

در اوّلین کابینه قانونی مشروطیت که با ریاست علی‌خان وزیرافخم تشکیل یافت و ۴۱ روز طول کشید، مهدی‌قلی‌خان مخبرالسلطنه وزیر علوم بود. در این دوره، «اداره مدارس، اداره اوقاف، اداره انطباعات، اداره

۱. همان؛ ص ۵۸۴.

۲. مروارید، یونس، *از مشروطه تا جمهوری؛ نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت*، ج ۱ (تهران: نشر اوحدی، ۱۳۷۷)؛ ص ۱۱۱.

۳. از جمله این مقاله‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: «عریضه یکی از خواتین باعلم به عنوان آقای سیدمحمد مجتهد - دامت برکاته»، مجلس، ش: ۶ (۱۶ شوال ۱۳۲۴)؛ صص ۳-۴؛ مفتاح‌الملک، «مکتوب شهری»، مجلس، ش: ۴۰ (۲۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۴)؛ ص ۳؛ «مقاله یکی از مخدرات وطن‌دوست»، *صوراسرافیل*، ش: ۷ و ۸ (۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵)؛ صص ۴-۵؛ «لایحه یکی از خواتین»، *حیل‌المتین* (تهران)، ش: ۱۰۵ (۲۲ رجب ۱۳۲۵)؛ صص ۶-۴؛ «علی‌اکبر دهخدا»، «چرند و پرنده»، *صوراسرافیل*، ش: ۳۱ (۱۱ جمادی‌الأوّل ۱۳۲۶)؛ صص ۸-۷.

حفریات موزه، اداره مطبوعه دولتی و اداره ابنیه» زیر نظر او قرار گرفت.^۱ با سقوط کابینه وزیرافخم، مخبرالسلطنه به مدت چهار ماه وزارت علوم دولت میرزا علی اصغر اتابک را برعهده داشت. به این ترتیب، مخبرالسلطنه در این دولت که نمایندگان مجلس آن را «صادق القول» دانسته بودند، فعالیت کرد.^۲ وی که در شمار رجال تأثیرگذار آن زمان بود، به گسترش و پیشرفت فرهنگ، شوق و اهتمام بسیار داشت. در مجموع مخبرالسلطنه سه بار وزیر علوم شد. او به عنوان پنجمین، ششمین و دهمین وزیر علوم، زمانی که در رأس وزارت بود، چندان که توانست در ازدیاد مدارس و تجهیز و تکمیل آن‌ها کوشش کرد.^۳

مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله نیز یکی دیگر از افرادی بود که در دوره مشروطه در سمت‌های مختلف به نظام آموزشی توجه نشان داد. او در دولت ناصرالملک که در ۱۸ رمضان ۱۳۲۵ به مجلس معرفی شد، وزارت علوم را برعهده داشت؛^۴ همچنین وی در دولت نظام‌السلطنه مافی که در ۱۶ ذی‌القعدة ۱۳۲۵ تشکیل شد، وزیر علوم و معارف و اوقاف بود.^۵ او در مدتی که عهده‌دار نظام آموزشی ایران بود، فعالیت‌های زیادی از خود نشان داد و افکار جدیدی را به نظام تعلیم و تربیت وارد کرد؛ وی به عنوان شخصی صاحب‌نظر در امور آموزشی، در رساله «راه نجات اظهار داشت:

اگر بخواهیم عراده لنگ امور را به راه بیاندازیم، باید خودمان به جد کار کنیم و الا کسی از خارج برای ما کار نخواهد کرد.

صنیع‌الدوله در همین رساله، توسعه معارف را یکی از اسباب آسایش در مملکت تلقی می‌کند. وی گسترش معارف را مهم می‌داند؛ زیرا که راه کسب را به اهالی می‌آموخت. او برای فراهم شدن این شرایط، حمایت‌های مردمی را مؤثر می‌دید و بر آن تأکید می‌ورزید.^۶ در لایحه‌ای که به تاریخ ۱۴ شوال ۱۳۲۵ در مدرسه دارالفنون به نمایندگی از طرف صنیع‌الدوله قرائت گردید، گفته شد:

تمام دول از دیرگاه توجه خاص به ترویج علوم و ازدیاد اسباب تحصیل آن‌ها یعنی به ایجاد مدارس داشته‌اند.

و هم‌چنین در این لایحه پس از انتقاد از طرز مصرف موقوفات در مدارس دینی، راه اصلاح معارف، در دو امر دانسته شد؛ یکی ایجاد محل مصارف و دیگری ایجاد مکاتب و مدارس متناسب با سرمایه موجود و احتیاجات کشور؛ به علاوه آورده شده بود که:

در باب ایجاد محل مصارف باید هیئتی به اتفاق جامعه ملت به سر فرصت و از روی بصیرت فکر درستی کرده؛ محل لایق برای معارف برقرار کنند که اقل از شهر دارالخلافه برای نمونه بتوان شروع به ایجاد مدارس لازمه نمود. مطلب دیگری که باقی می‌ماند مسئله کیفیت مکاتب و مدارس لازمه و وضع و اسباب تدریس آن‌ها است، و مخصوصاً مجلس امروزی برای مشاوره و مذاکره در این ماده تشکیل شده است که

۱. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ ص ۱۱۴.

۲. همان؛ ص ۱۵۸.

۳. یغمائی، اقبال، *وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵)؛ صص ۶۴ و ۸۳.

۴. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ ص ۳۷۵.

۵. همان؛ ص ۴۱۴.

۶. رضوانی، هما (به کوشش)، *رسائل قاجاری؛ (کتاب اول)؛ راه نجات* (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳)؛ صص ۹-۱۱.

آقایان حضار از میان خودشان هیئتی به عنوان «انجمن معارف» با اکثریت آراء انتخاب نمایند که منظمأ ماهی دوبار اجلاساتی داشته باشند و کتابچه‌هایی که درخصوص کلیه امور راجعه به معارف نوشته می‌شود، در این انجمن به موقع مباحثه گذاشته شود.^۱

به این ترتیب چنین صلاح دانسته شد که از تمام انجمن‌های دارالخلافه نماینده‌ای به مجلس معارف دعوت شود تا از این نمایندگان و اجزاء معارف «انجمن معارف» تشکیل یابد. بالأخره قرار بر این شد که دو مجلس برقرار شود؛ یکی عمومی، و مرکب از نمایندگان انجمن‌ها و جمعی که وزیر انتخاب می‌کرد؛ این مجلس هر دو ماه یک بار تشکیل می‌شد. دیگری مجلسی خصوصی که در حکم کمیسیون انجمن عمومی و مرکب از بیست نفر بود؛ ده نفر آن را شخص وزیر و ده نفر دیگر را نمایندگان انجمن‌ها از بین خود با اکثریت آراء انتخاب می‌کردند و این مجلس هر هفته یک بار جلسه تشکیل می‌داد. به این ترتیب در ۲۰ شوال ۱۳۲۵ مجلس عمومی منعقد گردید و ده نفر انتخاب شدند، که شامل افراد ذیل بودند: ۱- اعلم‌الدوله ۲- یمین‌نظام ۳- معز‌السلطان ۴- حاجی میرزارضاخان ۵- مدحت‌الممالک ۶- بهاء‌الواعظین ۷- معاون‌نظام ۸- آقا شیخ محمدعلی تهرانی ۹- معز‌الملک ۱۰- مصطفی‌قلی‌خان.^۲

در واقع صنیع‌الدوله تلاش بسیار می‌کرد که معارف را توسعه و گسترش دهد اما خالی بودن خزانه و دیگر عوامل بازدارنده، مانعی بزرگ در راه موفقیت او بود. با وجود این، او اقداماتی انجام داد. یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه را در صاحبقرانیه تأسیس کرد و اداره آن‌ها را به شیخ محمدحسن شیخ‌الاسلام سپرد. این دو مدرسه، نخستین مدارسی بودند که در حومه تهران بنا شدند و در آن‌ها غیر از دروس معمولی، نساجی و گیوه‌بافی نیز تعلیم داده می‌شد.^۳

از آن‌جا که صنیع‌الدوله به توسعه نظام آموزشی در سطح کشور معتقد بود، نه تنها زمانی که وزارت علوم را بر عهده داشت، به توسعه معارف، سخت علاقه نشان داد، بلکه در همه سیمت‌های سیاسی خود، مسئله نظام آموزشی را مدنظر داشت و مسائل آن را پی‌گیری می‌کرد. هنگامی که او وزیر مالیه دولت دوم نظام‌السلطنه مافی بود، در تاریخ ۲۳ ربیع‌الأول ۱۳۲۶ دو لایحه به مجلس داد که در واقع پروگرام کاری و پیشنهادی این وزیر بود. وی در این لایحه با گره‌زدن مسئله اخذ مالیات با آسایش عمومی و نظام آموزشی، به نکات درخوری توجه نشان داد. وی با پرداختن به اینکه با جمع‌آوری و مصرف درست مالیات‌های اخذ شده می‌توان مبنای رشد و توسعه جامعه را پایه‌گذاری کرد، هزینه کردن وجوه جمع‌آوری شده مالیاتی را برای سه هدف حفظ نظم، تربیت اطفال اهالی مملکت و تسهیل اسباب مرآوده یعنی طرق و شوارع، مناسب دانست. صنیع‌الدوله در این لایحه اشاره کرد که آسایش و نظم و توسعه، بدون این سه امر، ممکن نیست. او عقب‌ماندگی و بی‌خبری مردم را به این دلیل دانسته بود که در گذشته با مالیات‌ها فقط تا حدودی نظم به وجود می‌آمد و برای تربیت اطفال و توسعه نظام آموزشی اقدامی صورت نمی‌گرفت. در لایحه این وزیر آمده است:

۱. «لایحه‌ای است که در روز پنج‌شنبه ۱۴ شوال در مدرسه دارالفنون از طرف جناب وزیر علوم در افتتاح انجمن معارف قرائت شد.» (حبل‌المتین، ش: ۱۷۰ (۱۸ شوال ۱۳۲۵)؛ صص ۴-۲).

۲. «وزارت علوم و معارف»، حبل‌المتین، ش: ۱۷۴ (۲۳ شوال ۱۳۲۵)؛ ص ۴.

۳. یغمایی، همان؛ صص ۷۹-۷۸. لازم به ذکر اینکه تأسیس این مدارس در رمضان ۱۳۲۷ اتفاق افتاده است. (همانجا)

جمعیت شهرهای ایران بر حسب تخمین به چهار کرور نفر برآورد شده است و بنا به موازینی که از روی تجارب سایر ملل در دست است، صدی پانزده نفر از کلیه اهالی اطفال هستند که باید به مدرسه بروند و مشغول درس باشند. لهذا از این چهار کرور مزبور، سیصد هزار نفر طفل مکتبی بیرون خواهد آمد که محتاج به تربیت خواهند بود و اگر تصور نماییم که هر یک مدرسه بتواند سیصد نفر شاگرد در شش اتاق بپذیرد، عدّه کلیه مدارس ابتدایی لازمه به یک هزار مدرسه بالغ می شود، و هر مدرسه در سال، هزار تومان مخارج برمی دارد. بنابراین وقتی که به دایر کردن مدارس مزبوره [مشغول] شویم، می باید سالی شش کرور تومان خرج آن ها کنیم؛ چنان چه سایر ملل و دول رفتار کرده اند.

البته صنایع الدوله علاوه بر توسعه نیافتگی نظام آموزشی ایران، به تأمین هزینه های آن هم اندیشیده بود. او پیشنهاد داد:

نصف این مخارج را باید اهالی بلاد به شکل مالیات بلدی بدهند و نصف دیگر را باید دولت کمک کند. پس سه کرور از شش کرور برعهده دولت وارد می آید، ولی چون یک مرتبه تمام هزار مدرسه را به واسطه فقدان اسباب کار نمی توان دایر کرد، باید برای این کار، مدتی قرار داد؛ مثلاً ده سال که ظرف آن به مرور مدارس دایر و ایجاد شود.

به این ترتیب، صنایع الدوله پیشنهاد داد که عجلتاً سالی یک کرور تومان برای گسترش مدارس و معارف در بودجه معین شود، تا بعد به تدریج بر آن افزوده گشته و به حدّ کمال برسد.^۱

صنایع الدوله معتقد بود که هزینه کردن در بعضی جاها سبب حصول سود برای همه می شود و احداث مدارس را از این نوع سرمایه گذاری ها می دانست. او میزان پیشرفت جامعه را به طور مستقیم با اهمیت دادن به معارف عمومی در ارتباط می دانست و بر آن بود که با اشاعه معارف و تولید ثروت است که می توان به اصلاح امور دست زد. در لایحه دوم نیز موضوع نشر معارف ابتدایی را پی گیری کرد و برای آن اهمیتی خاص قائل شد. وی پیشنهاد کرد مالیات های دولتی از مالیات های بلدی، جدا و هر کدام در مورد مخصوصی هزینه شود. او بر آن بود که درآمدها نیمی به خزانه شهر برود و صرف خدمات بلدی و ایجاد مدرسه های ابتدایی و نیم دیگر آن عاید خزانه مرکزی شود.^۲

در مقابل این لایحه که تربیت اطفال و آموزش آن ها را التزام امور مملکت داری می دانست، نمایندگان مجلس عکس العمل های گوناگونی نشان دادند که حاکی از سطح درک آن ها از ضرورت زمان خودشان بود. مجلس لایحه صنایع الدوله را مثبت ارزیابی کرد. مثلاً آقا میرزا ابوالحسن این لایحه را «بسیار خوب» دانست و سیدحسن تقی زاده در همان جلسه ۲۳ ربیع الأول ۱۳۲۶ این لایحه را اولین لایحه مفیدی تشخیص داد که به مجلس آمده و یکی دیگر از نمایندگان - آقا سیدجعفر - لایحه را بسیار متین دانست؛ به گونه ای که ابراز داشت:

«... در حقیقت می توان گفت که امروز، مجلس ما مجلس صحیحی شده است.»^۳

۱. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ ص ۵۲۰.

۲. همان؛ صص ۵۲۶-۵۲۵.

۳. همان؛ صص ۵۲۲-۵۲۱.

اما این لایحه به همین منوال پیش نرفت. بعد از مدتی تقی‌زاده که ابتدا آن را تأیید کرده بود، در جلسه ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ به آن حمله و از صنایع‌الدوله به‌سختی انتقاد کرد، که به سبب حسادت، کار وزرای گذشته را برهم می‌زند؛ او در این جلسه گفت:

«نباید به حسن ظن به صنایع‌الدوله کفایت کنیم بلکه باید وی را به مجلس آورده و توضیح بخواهیم.»

همچنین نماینده همدان (وکیل‌الرعا) در مقام انتقاد برآمد و گفت:

اگر جمعی را مأمور خرابی این مملکت می‌کردند و آن‌ها را مختار قرار می‌دادند، بیش از این که حالیه این مملکت و مالیه آن را خراب کرده‌اند، ممکن نبود خراب کنند.

وکیل‌الرعا بر آن بود که با این طریقه مصرف بیجای مالیه، اصلاح امور مملکت و مالیه آن ممکن نخواهد بود.^۱

با توجه به این اعتراضات، می‌توان گفت، لایحه صنایع‌الدوله هرچند ابتدا مورد اقبال نمایندگان مجلس قرار گرفت ولی به سرانجام نرسید و مجمل ماند. انتقاد نمایندگان به صنایع‌الدوله و لایحه او در افکار عمومی موجبات بدگمانی را فراهم آورد، زیرا بعضی‌ها اظهار می‌کردند که چون لایحه پیشنهادی، ناپسند اجانب افتاده است، آن‌ها غیرمستقیم تندروهای مجلس را تحریک کرده‌اند که اسباب بدنامی صنایع‌الدوله را فراهم آورند.^۲

بعد از برقراری مشروطه تلاش شد تا علاوه بر جنبه معنوی علم، به جنبه مادی و دنیایی آن بیشتر پرداخته، و هردو جنبه آن برای مردم توجیه شود. هرچند بودند کسانی که حتی بعد از مشروطه با نظام آموزشی به سبک نوین مخالفت می‌کردند، اما گسترش و تبلیغ اندیشه‌های کسانی چون آیت‌الله ملا عبدالرسول مدنی کاشانی، که از عدم منافات علم و آموزش با شرع حکایت داشت، و بر امتیاز بودن کسب علم جهت ترقی و تهیه لوازم و اسباب زندگی تأکید می‌کرد،^۳ سبب گردید که در بعضی از دولت‌ها از این زاویه به نظام تعلیم و تربیت پرداخته شود. در دومین هیئت دولت نظام‌السلطنه مافی، بیشترین مباحث در مورد گسترش معارف صورت گرفت. در این دولت، میرزا حسین‌خان مؤتمن‌الملک وزیر تجارت و گمرک و فلاحت بود. او در تاریخ ۲۱ ربیع‌الأول ۱۳۲۶ لایحه‌ای را تقدیم مجلس کرد که محتوای آن در مورد تأسیس مدارس برای تجارت و فلاحت بود. او در این لایحه، تجارت را منبع ثروت دانسته و تنزل و ترقی مملکت را به توسعه و عدم توسعه تجارت، راجع نموده بود، و ضمن اهمیت دادن به اینکه باید تجارت منطبق بر علم باشد، پیشنهاد داد که یک مدرسه به اسم مدرسه فلاحت در تهران دایر شود که تجار، اطفال خود را به این مدرسه فرستاده و قدری از علم ثروت و تجارت و دفتر و اسناد تجاری و از علوم دیگر که در مورد تجارت هستند، اطلاع کسب نمایند. مؤتمن‌الملک معتقد بود که اولاً وجود این مدرسه، سبب ترقی در امر تجارت می‌شود و ثانیاً با اختصاص دادن سالانه ۳۵۰۰ تومان خواهد توانست در مدرسه فلاحت که بالفعل دو شعبه مقدماتی و فلاحتی دارد، یک شعبه دوکلاسی هم اضافه کند، و به تبع آن، شاگردان پس از سه کلاس مقدماتی بنا به استعداد خود وارد شعبه فلاحتی یا تجارت شوند.

۱. همان؛ صص ۵۶۱-۵۶۰.

۲. دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۲ (تهران: عطار و فردوسی، ۱۳۶۱، چاپ سوم)؛ صص ۲۳۷.

۳. مدنی کاشانی، ملا عبدالرسول، رساله انصافیه (کاشان: مرسل، ۱۳۷۸)، صص ۱۰۸-۱۰۷.

مؤتمن‌الملک بر آن بود که اجرای این طرح به ۳۰۰۰ تومان برای استخدام یک معلم خارجی که بتواند پنج تا شش رشته حقوق تجاری را تدریس کند، نیاز دارد. به علاوه ۵۰۰ تومان جهت استخدام یک معلم ایرانی نیز لازم بود. در مورد این لایحه، وکلای مجلس بحث و بررسی مفصلی کردند و نظرات گوناگونی را مطرح نمودند. احسن‌الدوله ضمن اشاره به لازم بودن تحصیل علوم، به بی‌ثمری مدارس از زمان ناصرالدین شاه اشاره کرد و بهتر آن دید که تجار، فرزندان خود را برای تحصیل علم تجارت، روانه اسلامبول کنند:

«چراکه در آن جا همه‌گونه امکانات این علم فراهم است.»

در جواب این مطلب، مؤتمن‌الملک عدم پیشرفت و بی‌فایده بودن مدارس را به آن سبب دانست که:

«اولاً مرتب نبوده‌اند و ثانیاً از روی علم و مأخذ صحیح نبوده‌اند.»^۱

تأسیس مدرسه تجارت و مذاکره در مورد آن، به جلسه بعد موکول شد، اما در جلسه بعد به آن پرداخته نشد، و در نهایت، جریان این مدرسه بدون نتیجه باقی ماند، چراکه عده‌ای از نمایندگان، معتقد بودند که پی‌گیری کار مدرسه، طبق قانون باید با نظر و تأیید وزیر علوم صورت گیرد نه وزیر تجارت.^۲ یکی از مباحثی که چه در مجلس و چه در دولت به آن اهمیت داده شد، تلاش برای جذب معلم بود. در شماره ۱۴۳ روزنامه مجلس اعلانی در این زمینه از طرف وزارت علوم درج شده و مدعی بود، از آن جایی که تعمیم معارف و تکثیر مدارس و مکاتب، محتاج به وجود معلم است و به واسطه غفلت جوانان یا فقدان لوازم تحصیل آنان معلم به قدر کافی یافت نمی‌شود، لذا وزارت معارف خبر داد که امکانات لازم را برای تحصیل افرادی فراهم می‌کند که یکی دو سال در یک رشته مخصوص درس بخوانند و معلم شوند و شرایط ورود به این شغل نیز شرایط عمومی از جمله توانایی خواندن و نوشتن و نداشتن عادت به اخلاق ذمیه بود.^۳ موضوع جذب و تجدید قرارداد معلمان خارجی مدارس عالی و تخصصی نیز چندین بار مطرح گشت. یکی از لوایح مؤتمن‌الملک در هیئت دولت دوم نظام‌السلطنه مافی، در مورد «تجدید کنترات» رئیس مدرسه فلاح مظفری یعنی مسیو داشر (Dasher) بلژیکی بود. نمایندگان مجلس پس از بحث و بررسی فراوان، از آن جا که اولاً وی مبلغی اضافه بر قرارداد اول برای تمدید قرارداد خواسته بود و ثانیاً اینکه عده‌ای از نمایندگان کار او را چندان مفید ندیده بودند، قرارداد او را تمدید نکردند.

در مذاکرات همین جلسه یعنی روز سه‌شنبه ۱۸ ربیع‌الآخر ۱۳۲۶ علاوه بر تجدید قرارداد داشر، در مورد ضرورت یا عدم ضرورت مدرسه فلاح مظفری - که دولت در ۱۳۱۸ هـ.ق. برای آموزش علمی و عملی فنون کشاورزی در تهران گشوده بود - به طور مفصل بحث شد و از آن جا که کشور ایران مملکتی فلاحی بود و اکثر مردم آن به کشاورزی مشغول بودند، علم فلاح ضروری تشخیص داده شد و پیشنهاد گردید که وزیر فلاح مخصوصی قرار داده شود که مدرسه فلاحی تشکیل بدهد. در این جلسه، نمایندگان با معدوم نمودن مدرسه فلاح مخالفت نمودند و حتی پیشنهاد ادغام این مدرسه در دارالفنون نیز مقبول نیفتاد.^۴

۱. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ صص ۵۱۸-۵۱۶.

۲. همان؛ صص ۵۲۵-۵۱۷.

۳. مجلس، ش: ۱۴۳ (۱۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵)؛ ص ۴.

۴. مجلس، ش: ۱۲۷ (۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶)؛ صص ۱-۴.

وکلای مجلس بر سر به‌کارگیری مجدد و تجدید قرارداد معلمان خارجی در نظام آموزشی ایران همواره با حساسیت فراوان برخورد می‌کردند. برای نمونه، اسدالله میرزا در مورد لایحه تجدید کنترات معلمان دارالفنون به نکات جالبی اشاره کرد که نشانگر اهمیت معارف در نگاه او بود. وی در جلسه ۲۳ ربیع‌الأول ۱۳۲۶ با ایراد سخنانی حاکی از احتیاج به اشخاص عالم گفت:

«اگر در داخله مملکت اشخاص عالم ایرانی داشته باشیم چه بهتر و اگر نباشد لابد باید از خارج جلب نماییم.»
اسدالله میرزا، آبادی و خرابی مملکت را بسته به بود و نبود فلاح و تجارت آن مملکت می‌دانست و بر آن بود که این مسئله، محتاج مدرسه و تحصیل علم است و با تذکر به ضرورت وجود مدرسه فلاح، اشاره کرد که کسی که مدرسه تشکیل می‌دهد باید خود عالم بوده و از مدرسه عالی فارغ‌التحصیل شده باشد. در مورد لزوم مدارس مقدماتی نیز می‌گفت که باید تمام قوای علمی را در یک منطقه جمع کند که محصلان بعد از مدارس مقدماتی به مدارس عالی بروند. وی برای تسهیل امر تحصیل، وجود این مدارس مقدماتی و عالی را لازم می‌دید.^۱

در جلسه چهارم جمادی‌الأول ۱۳۲۶ نمایندگان به مطالبی در مورد معارف و اهمیت گسترش آن اشاره کردند. در این جلسه، دکتر ولی‌الله خان اظهار داشت:

«در راه اصلاح امور معارف باید چشم را بر هم گذاشت و مشت مشت پول خرج کرد.»

و حسام‌الاسلام بر این اعتقاد بود که:

همان‌طور که معلم برای مملکت، لازم است، به همان اندازه، مفتش لازم داریم و اگر ما در وزارت معارف، مفتش داشتیم هم می‌توانیم از اوضاع معلمان آگاه باشیم که اگر خوب تدریس کرده‌اند، اجرت کامل داده شود و اگر متعلمین در وظایف خود قصور داشته‌اند، ما موانع را رفع کنیم.^۲

در این جلسه در مورد معلمان خارجی که برای تدریس در دارالفنون آمده بودند و تجدید کنترات آن‌ها مفضلاً بحث شد و پس از رد و بدل شدن نظرات گوناگون، مذاکرات به جلسه ۶ جمادی‌الأول ۱۳۲۶ موکول گردید و نهایتاً در این جلسه قرار بر آن شد که با تجدید قرارداد دکتر ژرژ (George)، مسیو دانتان (Dantan)، مسیو گاله (Gualet) و مسیو داوید (David) موافقت به عمل آورند.^۳

گویی پس از گشایش مجلس، علم و دانش و صاحبان آن ارزش پیدا کردند. انتظار می‌رفت که با ایجاد تحول در نظام سیاسی کشور، ارزش‌های اکتسابی برای ارتقاء به مناصب و کسب مزایای اجتماعی، بیشتر از ارزش‌های انتسابی مؤثر افتد. با این‌گونه بسترسازی در باب استخدام جوانان تحصیل‌کرده مملکت، مذاکراتی به عمل آمد، و حتی قرار بر آن شد که اشخاص مهذب و عالمی در حضور وزارت معارف و نمایندگان امتحان داده و در ادارات دولتی استخدام شوند. گویا دست‌اندرکاران سیاسی کشور در آن زمان و با این کار و حتی آگهی‌کردن این موضوع در روزنامه‌هایی مانند مجلس، در پی تشویق جوانانی برای تلاش و جد و جهد بیشتر در کسب علم بودند.

۱. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ ص ۵۲۴.

۲. همان؛ صص ۵۷۲-۵۷۱.

۳. همان؛ ص ۵۷۴ و نیز: مجلس، ش: ۱۴۲ (۷ جمادی‌الأول ۱۳۲۶)؛ ص ۳.

قانون‌گذاری‌های آموزشی نهادهای غیررسمی در اولین دوره مجلس شورای ملی

تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های ملی، از دیگر دستاوردهای مشروطیت ایران بود. این نهادها و سازمان‌ها با استقرار مشروطیت به وجود آمدند؛ به عبارت دقیق‌تر می‌توان انجمن‌ها را مولود مشروطه دانست؛ چراکه این نهادهای مدنی از نهادهای غیررسمی مشروطیت بودند. در ادامه بحث به فعالیت‌های نهادهای مذکور در زمینه آموزش و معارف پرداخته می‌شود.

الف) اقدامات فرهنگی انجمن‌های ایالتی و ولایتی

هرچند اکثر نمایندگان مجلس اول شورای ملی نسبت به اصول پارلمانی و حکومت مشروطه کم‌اطلاع و بی‌تجربه بودند و هیچ راهی برای وادار کردن دولت‌ها به اجرای قوانین تصویب‌شده، نداشتند ولی در همین دوره مجلس، گاه سیاست‌گذاری‌هایی می‌شد که می‌رفت تا کشور را به سامان برساند. ذکر این سیاست‌گذاری‌ها در این پژوهش ضرورتی ندارد اما پرداختن به «قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی» به لحاظ این پژوهش، ضروری است زیرا نمایندگان در این قانون به معارف و توسعه آن توجه خاصی نشان داده بودند.

قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی که در یکشنبه سلخ صفر ۱۳۲۵ تصویب شد، شامل چهار فصل و فصل اول آن در مورد انجمن‌های ایالتی و شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان بود؛ فصل دوم به وظایف انجمن‌های ایالتی اختصاص داشت؛ فصل سوم به بودجه و محاسبات ایالات و ولایات، و فصل چهارم نیز به تشکیل انجمن‌های ولایتی می‌پرداخت.

طبق ماده ۸۸ این قانون، انجمن‌های ایالتی و ولایتی، حق قانون‌گذاری نداشتند ولی می‌توانستند به شکایت‌هایی که از حکام ایالات و ولایات می‌رسید، رسیدگی کنند و اگر رفتار خلاف قانون از حاکم سر می‌زد، به وی اخطار دهند؛ و در صورت نگرختن نتیجه، مراتب را به ادارات مرکزی اطلاع دهند. آن‌ها بر طبق قانون، حق وصول مالیات داشتند و می‌توانستند برای مصارف محلی از قبیل راه‌سازی، تأسیس مدارس، پل‌سازی و ... وجهی را که لازم می‌شد، نسبت به اهالی محل تقسیم و طبق قانون اخذ نمایند. این انجمن‌ها می‌توانستند در موقع احتیاج برای احداث پاره‌ای تأسیسات عام‌المنفعه از جمله ساخت پل و احداث مدارس، مبلغی استقراض کنند؛ مشروط به اینکه محل ادای آن استقراض از عایدات معمولی یا فوق‌العاده همان ایالت بوده، و بدون تصویب شورای ملی و امضای شاه نباشد.^۱

در این‌جا برای آشنایی بیشتر با اقدامات انجمن‌های ایالتی و ولایتی در باب توسعه نظام آموزشی، به بررسی فعالیت انجمن ایالتی آذربایجان پرداخته می‌شود. علت‌گزینش این انجمن، داشتن برنامه‌های منظم و سامان‌دهی شده بود، که همین دلایل سبب دیرپایی و نفوذ گسترده آن می‌گردید. اعضای این انجمن اغلب از معارف‌دوستان بودند و می‌کوشیدند مدارس و معارف را در ایالت آذربایجان گسترش دهند. از جمله این افراد می‌توان به سیدحسن شریف‌زاده اشاره کرد. او سال‌ها در دبیرستان مموریال (یادبود) پسرانه تبریز،

۱. مشروح مذاکرات مجلس، همان؛ صص ۱۳۶-۱۳۵.

وابسته به مبلغان آمریکایی، مشغول تدریس و فعالیت آموزشی بود. میرزا صادق‌خان صادق‌الملک یکی دیگر از اعضای این انجمن، مدتی رئیس معارف خوی و چندی نیز عضو جمعیت نشر معارف آذربایجان بود.^۱ اعضای این انجمن در مورد احداث مدارس در مناطق مختلف آذربایجان مذاکره می‌کردند و بر آن بودند تا با حمایت از توسعه مدارس در گسترش معارف بکوشند. یکی از محله‌هایی که اعضای انجمن تبریز برای احداث مدرسه در آن مذاکره کردند، محله ششگلان بود. انجمن به این نتیجه رسید که مدارس در آن‌جا تشکیل شود که:

«اولاد معصوم وطن به مدارس اجانب و خارجه‌ها نرفته؛ موجب رسوایی ملت ما نشوند.»^۲

مدرسه ابتدایی چرنداب به همت انجمن ایالتی و با حمایت حاجی میرزا علی‌اکبرخان در سال ۱۳۲۵هـ.ق. تأسیس شد. وی یک حیاط بزرگ برای آن مدرسه اختصاص داده و هر ماه ۱۵ تومان وجه به مدیر و معلمان تقدیم می‌کرد. علی‌اکبرخان که مدیریت روزنامه/انجمن را بر عهده داشت، پس از مدتی وجه اعانه را قطع کرد، ولی فعالیت این مدرسه به حمایت انجمن معارف ادامه یافت. به این ترتیب که اطفال این مدرسه به انجمن تبریز آمده و استدعای حمایت کردند که اعضای انجمن «وجه اعانه را از کیسه فتوت خودشان به مدرسه ما التفات نمایند.» که پس از مذاکره، اعضای انجمن با درخواست شاگردان این مدرسه موافقت کردند.^۳

به این ترتیب، انجمن ایالتی تبریز به بررسی امور محلی پرداخت و شعبه‌هایی را در محلات تشکیل داد. این انجمن در ضمن فعالیت‌های خود، برای تحصیل و گسترش نظام آموزشی، اقداماتی را انجام می‌داد و به تشکیل مدارس به سبک جدید کمک می‌کرد. در این مدارس، ریاضیات، علوم، ادبیات، تاریخ و گاه زبان‌های خارجی تدریس می‌شد. ثقة‌الاسلام که از حامیان این انجمن بود، با تأکید بر لزوم اخذ برخی دستاوردهای دنیای غرب مانند علوم جدید و نهادهای دموکراتیک، به تفهیم این مهم پرداخت که نهادهای جدید، تعارضی با اسلام ندارند. وی با حمایت‌های خود مانعی در برابر اتهام ارتداد مخالفان گسترش مدارس جدید ایجاد کرد؛^۴ و با واداشتن مدارس به نماز جماعت و منع پاره‌ای کتب، سعی داشت حساسیت علمای مخالف مدارس را کنترل کند.^۵

روزنامه/انجمن که ارگان رسمی انجمن ایالتی آذربایجان بود، بخش مهمی از مطالب خود را به مسائل آموزشی اختصاص می‌داد. این روزنامه در گسترش فرهنگ نو و مدارس جدید در آذربایجان، سهم بسزایی داشت، و مکتوبات زیادی در مورد معارف و لزوم گسترش آن درج می‌کرد. در شماره دهم این نشریه، مقاله‌ای یکی از شاگردان مدرسه پرورش چاپ شده بود که در آن، علم و کسب آن را اولین اسباب ترقی عالم دانسته

۱. قاسمی‌پویا، همان؛ ص ۲۸۰.

۲. جریده ملی انجمن، ش: ۲۸ (۲۵ ذی‌القعدة ۱۳۲۴)؛ ص ۴. و نیز: همان، ش: ۲۹ (۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۴)؛ ص ۱.

۳. همان، شماره ۱۲۳ (۱۴ رجب ۱۳۲۴)؛ صص ۲-۳. پس از استقرار مجدد مشروطه، با حمایت این انجمن، «مدرسه رشیدی» ششستر که توسط نیروهای وابسته به محمدعلی شاه در سال ۱۳۲۶هـ.ق. بسته شده بود، افتتاح گردید. در این بازگشایی مجدد، نام مدرسه به مدرسه «اتحاد و ترقی» موسوم گشت. (قاسمی‌پویا، همان؛ ص ۳۵۷)

۴. آفاری، همان؛ ص ۱۱۳.

۵. افشار، ایرج (به کوشش)، نامه‌های تبریز؛ از ثقة‌الاسلام به مستشارالتوله (در روزگار مشروطیت) (تهران: فرزاد، ۱۳۷۸)؛ ص ۲۲۵.

و خطاب به اولیای دولت در مورد لزوم تعلیم و تربیت اطفال ایرانی هشدار داده بود که اگر خواهان ترقی کشور هستند، باید دولت و مجلس دست به دست هم داده و شرایط را برای تحصیل مهیا کنند: «... تا به زودی حکم کلام شریف (شرع محمد «ص» مستمر الی یوم القیامه) در این سرزمین منتشر [شود].»^۱ روزنامه /نجم، مدارس را کارخانه آدم‌سازی دانسته و افتتاح مدارس را از وسایل سعادت ملت می‌شمرد،^۲ و لزوم وجود مدارس را برای اهالی شهرستان‌ها تشریح می‌کرد؛ مثلاً در شماره ۳۱ این روزنامه آمده است:

اهالی محترم شبستر را لازم است یک مدرسه منظمی را که موجب ترقی ابناء وطن می‌باشد، در آنجا تأسیس و معلمین خوب از تبریز برده؛ علم را که اولین اسباب ترقی است، ترویج بدهند.^۳

این روزنامه، همین‌گونه ضرورت را برای انجمن مراغه و مردم آن توضیح می‌دهد؛ چنان‌که آورده است: امید است که از توجه و همت این دو وجود محترم [حاجی میرزا کبیرآقا و سیدرضا آقا عمادالاسلام] مدرسه منظمی که فابریک (کارخانه) انسان و انسانیت است، در مراغه تشکیل یافته؛ علم را که اولین اثاث مدنیت و ترقی است، در آن ولایت انتشار دهند.^۴

انجمن ایالتی اصفهان، از جمله دیگر انجمن‌هایی بود که در راستای گسترش معارف گام برداشت و دست به تأسیس مدارس زد. یکی از این مدارس «مدرسه ایتام» در محله شمس‌آباد بود. مدیر آن محمدعلی معین‌الاسلام بود که با حضور ۲۵ دانش‌آموز افتتاح شد اما علی‌رغم حمایت‌های مالی که از این مدرسه به عمل آمد، چندان رونقی نیافت و بعد از مدتی در هنگام افتتاح «مدرسه علمیه» - با مدیریت محاسب‌الدوله - پیشنهاد شد که این دو مدرسه در هم ادغام شوند، اما گویا این خیال ادغام هرگز تحقق نیافته باشد.^۵

چنان‌که نشان داده شد فعالیت انجمن‌های ایالتی و ولایتی سبب رونق و پویایی نظام آموزشی و معارف گردید. اما اوضاع این انجمن‌ها جدای از وضعیت جامعه آن روز ایران نبود و مشکلات درونی و بیرونی که دامن مجلس، دولت‌ها و احزاب را گرفته بود، به انجمن‌ها نیز فرصت فعالیت نمی‌داد.

ب) اقدامات فرهنگی انجمن‌های ملی

شهرنشینان ایرانی در جامعه ماقبل سرمایه‌داری، استبدادی و سنتی، از طریق اصناف، محافل مذهبی یا محافل صوفیانه و محله با یکدیگر پیوستگی می‌یافتند و با صورتی از سازمان‌های مدنی آشنا می‌شدند. در موقعیت مناسب عصر مشروطه، این سازمان‌ها، تحت تأثیر رهبران مشروطه، جنبه سیاسی یافتند؛

۱. جریده ملی انجمن، ش: ۱۰ (۷ سؤال ۱۳۲۴)؛ صص ۲-۱.

۲. همان، ش: ۲۵ (۱۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۴)؛ ص ۲.

۳. همان، ش: ۳۱ (۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۴)؛ ص ۲.

۴. همان، ش: ۲۷ (۲۲ ذی‌القعدة ۱۳۲۴)؛ صص ۲-۱.

۵. عسکرانی، محمدرضا، «تاریخ مدارس جدید در اصفهان تا عصر مشروطیت»، در: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی شناسی (۲۷ الی ۳۰ خرداد ۱۳۸۱) (معارف و علوم اسلامی، تاریخ علم، و تعلیم و تربیت در ایران) (تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۳)؛

صص ۲۲۲-۲۳۱.

در نتیجه ماهیت و هدفشان به سرعت دگرگون شد.^۱ جمعیت‌های مذکور که از آن پس رشد فزاینده‌ای یافته و انجمن نامیده شدند، همه به صورت ملی بودند. حوزه فعالیت این انجمن‌های ملی که با هدف حمایت و دفاع از مجلس و مشروطیت تشکیل می‌شدند، بسیار گسترده بود و محدود به فعالیت‌های سیاسی نماند. هرچند برای بیشتر انجمن‌های ملی، فعالیت‌های سیاسی در درجه اول اهمیت قرار داشت و پرداختن به امور فرهنگی و اجتماعی، جایگاه دومی داشت اما انجمن‌هایی نیز تحت عنوان «انجمن‌های فرهنگی و اجتماعی» وجود داشتند؛ این دسته شامل مجامعی می‌شدند که هدفشان گسترش شبکه مدارس، سوادآموزی بزرگسالان یا انجام خدمات اجتماعی بود.^۲

برای آشنایی بیشتر با این انجمن‌ها، در ادامه، به فعالیت چند نمونه از آن‌ها که حوزه فعالیت و محل تشکیل‌شان تهران بود، پرداخته می‌شود:

انجمن فرهنگ: انجمن فرهنگ، مجمعی بود که «به سعی و همت جوانان دانشمند وطن» در شهر تهران منعقد شد.^۳ محل این انجمن در کوچه محله عرب‌ها نزدیک خانه جناب منصورالحکما، خانه میرزا عبدالکریم یزدی بود.^۴ روزنامه *حبل‌المتین* هدف این انجمن را «خدمت به عالم انسانیت و نوع و معارف و وطن» مقدس معرفی کرده و بنا به اعلان روزنامه *صوراسرافیل*، هدف این انجمن «سوی حفظ اساس مشروطیت و وطن‌پرستی»، «ترویج معارف و نشر علوم» بود.^۵ انجمن فرهنگ برای ترویج معارف و نشر علوم، اتاق‌های درسی برای تدریس اکابر تشکیل می‌داد که در آن‌ها هفته‌ای شش شب، زبان فرانسه، انگلیسی، صرف و نحو عربی، تاریخ، جغرافیا، و حساب و دفترداری به صورت رایگان تدریس می‌شد؛ به‌علاوه، لوازم تحریر متعلمین را نیز صندوق انجمن تهیه می‌کرد.^۶ فعالیت این انجمن، گستردگی خاصی داشت و توانست عده زیادی را به سوی خود جلب کند. روزنامه *صوراسرافیل* در تاریخ ۹ صفر ۱۳۲۶ نوشت که این انجمن تاکنون ۱۸۰ نفر شاگرد را در این مدرسه پذیرفته است.^۷

انجمن صنایع: انجمن صنایع با مدرسه اسلام در ارتباط بود. ریاست این مدرسه را - چنان‌که گفته شد - سیدمحمد طباطبایی بر عهده داشت. در کنار این مدرسه، کارگاهی برای قالی‌بافی تأسیس شده بود که در سال ۱۳۲۵هـ.ق. ریاست این مدرسه و کارگاه برعهده شخصی با نام سیداسدالله قرار داشت. در این سال، انجمنی توسط وی برای تکمیل آن کارگاه و ترتیب سایر صنایع تشکیل گردید و «جمعی از خیرخواهان مملکت و بزرگان ملت، در آن انجمن که فقط برای خدمت به نوع تأسیس شده بود»، عضو شدند.

۱. یزدانی، سهراب، «انجمن‌های ملی در عصر مشروطیت ایران»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران*، دوره جدید، سال چهارم و پنجم، بهار ۱۳۷۵- زمستان ۱۳۷۶؛ ص ۲۶.

۲. همان؛ ص ۳۲.

۳. *صوراسرافیل*، ش: ۲۵ (۹ صفر ۱۳۲۶)؛ ص ۳.

۴. *حبل‌المتین* (تهران)، ش: ۲۰۱ (۳ ذی‌الحجه ۱۳۲۵)؛ ص ۴.

۵. همان، ش: ۱۸۶ (۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۵)؛ ص ۴.

۶. *صوراسرافیل*، ش: ۲۵ (۹ صفر ۱۳۲۶)؛ ص ۳.

۷. همان و نیز: *روح‌القدس*، ش: ۱۹ (۶ صفر ۱۳۲۶)؛ ص ۲.

۸. *صوراسرافیل*، ش: ۲۵ (۹ صفر ۱۳۲۶)؛ ص ۳.

سیدمحمد مجتهد، میرزا کاظم آقا، مستوفی الممالک، صدیق الممالک، میرزا علی تاجر و... از جمله اعضا و مؤسّسین این انجمن بودند. انجمن صنایع که هفته‌ای دو روز یعنی یکشنبه و چهارشنبه تشکیل جلسه می‌داد، هدفش آشنا کردن اطفال - مخصوصاً آن‌ها که چندان بضاعتی نداشتند - به صنایع بود که بعد از فراغت از تحصیل بتوانند با توجّه به مهارتی که کسب کرده‌اند، کاری پیدا کنند و آن را جهت «تسهیل طرق تحصیل معاش» به کار ببرند.^۱

انجمن علمیّه رجال: انجمن علمیّه رجال، در سال ۱۳۲۶ هـ.ق. در بازارچه شهاب‌الملک افتتاح شد. هدف این انجمن نیز نشر دانش و معارف بود. طی اعلانی که در روزنامه *حبل‌المتین* درج شد، آمده بود: اشخاصی که سواد ندارند و طالب می‌باشند که دارای خواندن و نوشتن شوند، به عضویت این انجمن پذیرفته می‌شوند.

همچنین این انجمن متعهد شد که طی زمان چهار ماه خواندن و نوشتن، فارسی را به صورت کامل به اعضا بیاموزد.^۲

انجمن اصلاح: انجمن اصلاح از دیگر انجمن‌هایی بود که بعد از مشروطه و برای پیشرفت مقاصد خیر و خدمت به هم‌نوعان و به هدف ترویج علوم و نشر معارف تأسیس شد. این انجمن برای پی‌گیری اهداف خود، از وزارت معارف وقت برای احداث مدرسه درخواست مجوّز کرد. وزرات معارف نیز طی اعلانی که در ۸ رجب ۱۳۲۵ در *حبل‌المتین* تهران درج کرد، مجوّز گشایش مدرسه‌ای را مطابق نظام‌نامه و دستورالعمل این وزارتخانه صادر نمود.^۳ با اتکاء به همین مجوّز بود که در تاریخ سوم شعبان، مدرسه‌ای «موسوم به اصلاح» توسط این انجمن در چهارراه حسن‌آباد افتتاح شد.^۴

انجمن وطن (علمی): شیخ محمدعلی تهرانی که یکی از آزادی‌خواهان پرشور بود و او را «صدیف مشروطه» می‌نامیدند، ریاست انجمن وطن (علمی) را بر عهده داشت. این انجمن وابسته به انجمن اتحادیه طلاب بود.^۵ انجمن علمی با هدف توجّه به علم و توسعه معارف گشوده شده بود و رئیس آن، مقالات زیادی را در روزنامه‌های دوره مشروطه از جمله *حبل‌المتین* و مجلس به چاپ رسانید که در خلال آن‌ها لزوم توسعه فرهنگ و معارف را گوشزد می‌کرد و بی‌توجهی به معارف و مدارس را علت تأخیر ترقی مملکت می‌دانست.^۶ همچنین اقدامات عملی را در راستای کمک به ترقی معارف انجام می‌داد؛ از جمله به معاونت آقا میرسیدمحمد قمی کتاب مختصر و مفیدی را ترتیب داد و پانزده هزار لغت عربی را به فارسی

۱. *ندای وطن*، ش: ۱۲۷ (۳ ذی‌القعدة ۱۳۲۵)؛ صص ۳-۴.

۲. *حبل‌المتین* (تهران)، ش: ۲۴۵ (۴ صفر ۱۳۲۶)؛ ص ۴.

۳. همان، ش: ۹۶ (۱۱ رجب ۱۳۲۵)؛ ص ۴.

۴. *حبل‌المتین* (تهران)، ش: ۹۷ (۱۲ رجب ۱۳۲۵)؛ ص ۴.

۵. ملک‌زاده، مهدی، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۲ (تهران: علمی، ۱۳۶۳، چاپ دوم)؛ ص ۳۶۱.

۶. شیرالی، فاطمه، *انجمن‌های تهران در عصر مشروطیت* (تهران: باران اندیشه، ۱۳۸۴)؛ ص ۲۵۵.

۷. *حبل‌المتین* (تهران)، ش: ۱۹۶ (۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۵)؛ ص ۴.

ترجمه کرد و کار تعلیم عربی را به این وسیله تا حدودی تسهیل نمود. این کتاب به لغت/انجمن علمی موسوم شد که برای تمام طالبان علم مفید بود.^۱

به طور کلی باید گفت که نهادهای اجتماعی که تحت عنوان انجمن در تاریخ مشروطه ایران شناخته شده‌اند، فعالیت‌های خود را در اشکال و محتوای متفاوت ارائه می‌دادند. آن‌ها علاوه بر فعالیت‌های سیاسی در زمینه فرهنگ و گسترش معارف نیز از خود جدیت نشان دادند اما بمباران مجلس به فعالیت آن‌ها خاتمه داد و از آن پس احزاب سیاسی جای انجمن‌ها را گرفتند.

نتیجه

وقوع انقلاب مشروطه، تحولاتی را در نظام آموزشی ایران به وجود آورد. تشکیل مجلسی پوینده و کارآمد و هم‌چنین تصویب متمم قانون اساسی مخصوصاً اصل هجدهم و نوزدهم آن، به عنوان تلاشی برای عمومی و اجباری نمودن آموزش، حاکی از گام نهادن در مسیری بود که تحوّل در نگرش و گفت‌وگو را به دنبال داشت. نمایندگان مجلس اول شورای ملی و دولت‌های هم‌عصر آن تلاش می‌کردند با گفت‌وگو در باب مسائل آموزشی و پیشنهاد لوایح و تصویب قوانینی مناسب، در گسترش معارف اهتمام ورزند. این دو نهاد رسمی مشروطه با انتخاب هیئتی تحت عنوان «انجمن معارف»، ارائه راهکارهای مناسب جهت تأمین هزینه‌های آموزشی، تلاش برای جذب معلّم و نظارت بر چگونگی کار آن‌ها نشان دادند که به مسائل آموزشی توجه ویژه‌ای دارند. انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انجمن‌های ملی - که خود از دستاوردهای مشروطه و مجلس بودند - با احداث مدارس و ارائه برنامه‌های آموزشی به سبک جدید و سوادآموزی بزرگسالان و انجام خدمات اجتماعی و... سعی در خدمت به معارف و توسعه قانونمند گفت‌وگو آموزشی در این دوره داشتند. اما مبارزه و تقابل بین محمدعلی شاه و مجلس باعث کاهش کارایی مجلس ملی و دیگر نهادهای برآمده از مشروطه شد؛ هم‌چنین گسست ائتلاف‌های مشروطه‌خواه و پیدایش جریان ضدمشروطه از جهتی و دخالت روسیه و انگلستان در حوادث داخلی ایران، مخصوصاً بعد از قرارداد ۱۹۰۷، از جهتی دیگر، مزید بر علت شد و شاه را در تدارک به توپ بستن مجلس یاری داد. مجموعه این عوامل و وجود مشکلات اقتصادی، امنیتی و... - که گریبان جامعه آن‌روز ایران را گرفته بود - اقتدار اولین مجلس شورای ملی و دیگر نهادهای رسمی و غیررسمی معاصر آن را، برای اجرا و پی‌گیری مصوبات و سیاست‌گذاری‌های آموزشی خود، به چالش می‌طلبید.

۱. همان، ش: ۱۸۳ (۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۵)؛ ص ۴.

کتابنامه

- آقاری، ژانت، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی (تهران: بیستون، ۱۳۸۵، چاپ سوم).
- اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره و سیروس سعدوندیان (به کوشش)، *افضل‌التواریخ* (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱).
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، *تاریخ منتظم ناصری*، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳ (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷).
- _____، *المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه)*، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴، چاپ دوم).
- افشار، ایرج (به کوشش)، *نامه‌های تبریز؛ از تفتح الاسلام به مستشارالدوله (در روزگار مشروطیت)* (تهران: فرزاد، ۱۳۷۸).
- براون، ادوارد گرانویل، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه (تهران: ماهریز، ۱۳۸۱).
- بزرگ امید، ابوالحسن، *از ماست که بر ماست (محتوی خاطرات و مشاهدات)* (بی‌جا، چاپ پیروز، ۱۳۳۳، چاپ سوم).
- تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی، *مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت* (تهران: انتشار، ۱۳۷۹).
- دولت‌آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، ج ۲ (تهران: عطار و فردوسی، ۱۳۶۱، چاپ سوم).
- رشدیه، میرزا حسن، *«خاطرات»؛ زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم میرزا حسن رشدیه*، به کوشش امید قنبری (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۶۸).
- رضوانی، هما (به کوشش)، *رسائل قاجاری؛ (کتاب اول: راه نجات)* (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳).
- رینگر، مونیکا، ام، *آموزش، دین، و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوره قاجار*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه (تهران: ققنوس، ۱۳۸۵، چاپ دوم).
- شیرالی، فاطمه، *انجمن‌های تهران در عصر مشروطیت* (تهران: باران اندیشه، ۱۳۸۴).
- صدیق، عیسی، *تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر* (تهران: چاپ زیبا، ۱۳۵۱، چاپ ششم).
- قاسمی‌پویا، اقبال، *مدارس جدید در دوره قاجاریه؛ بنیان و پیشروان* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷).
- کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران* (تهران: مجید، ۱۳۷۸، چاپ سوم).
- محبوبی اردکانی، حسین، *تاریخ مؤسسات تمتی جدید در ایران*، ج ۱ (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، چاپ سوم).
- مدنی کاشانی، ملا عبدالرسول، *رساله انصافیة* (کاشان: مرسل، ۱۳۷۸).
- مرورید، یونس، *از مشروطه تا جمهوری؛ نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری در دوران مشروطیت*، ج ۱ (تهران: نشر اوحدی، ۱۳۷۷).
- مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ج ۱ (تهران: زوار، ۱۳۷۷، چاپ چهارم).
- ملک‌زاده، مهدی، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۲ (تهران: علمی، ۱۳۶۳، چاپ دوم).
- موسوی، محمدمهدی (به کوشش)، *خاطرات احتشام‌السلطنه* (تهران: زوار، ۱۳۶۷، چاپ دوم).
- هدایت، مهدی‌قلی (مخبرالسلطنه)، *گزارش ایران (بخش گزارش دوره قاجاریه و مشروطیت)* از جلد سوم و چهارم، با اهتمام محمدعلی صوتی (تهران: نقره، ۱۳۶۳).
- یغمائی، اقبال، *وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵).

اسناد و مطبوعات

- جریده ملی آنجمن، ش: ۱۰ (۷ شوال ۱۳۲۴).
- _____، ش: ۲۸ (۲۵ ذی‌القعدة ۱۳۲۴).
- _____، ش: ۲۵ (۱۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۴).
- _____، ش: ۱۲۳ (۱۴ رجب ۱۳۲۴).
- _____، ش: ۲۷ (۲۲ ذی‌القعدة ۱۳۲۴).
- _____، ش: ۲۹ (۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۴).
- _____، ش: ۳۱ (۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۴).
- _____، ش: ۱۸۳ (۴ ذی‌القعدة ۱۳۲۵).
- _____، ش: ۱۰۵ (۲۲ رجب ۱۳۲۵).
- _____، ش: ۱۷۰ (۱۸ شوال ۱۳۲۵).

- _____ ، ش: ۱۷۴ (۲۳ شوال ۱۳۲۵).
- _____ ، ش: ۱۹۶ (۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۵).
- _____ ، ش: ۲۰۱ (۳ ذی‌الحجه ۱۳۲۵).
- _____ ، ش: ۲۴۵ (۴ صفر ۱۳۲۶).
- _____ ، ش: ۹۷ (۱۲ رجب ۱۳۲۵).
- _____ ، ش: ۱۸۶ (۸ ذی‌القعدة ۱۳۲۵).
- _____ ، ش: ۹۶ (۱۱ رجب ۱۳۲۵).
- _____ ، ش: ۱۹ (۶ صفر ۱۳۲۶).
- _____ ، ش: ۲۵ (۹ صفر ۱۳۲۶).
- _____ ، ش: ۲۵ (۹ صفر ۱۳۲۶).
- _____ ، ش: ۲۵ (۹ صفر ۱۳۲۶).
- _____ ، ش: ۳۱ (۱۱ جمادی‌الأول ۱۳۲۶).
- _____ ، ش: ۷ و ۸ (۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵).
- عسکرانی، محمدرضا، «تاریخ مدارس جدید در اصفهان تا عصر مشروطیت»، در: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی (۲۷ الی ۳۰ خرداد ۱۳۸۱) (معارف و علوم اسلامی، تاریخ علم، و تعلیم و تربیت در ایران) (تهران: بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۳).
- فرهنگ اصفهان، ش: ۶۳۹ (۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۰۶).
- مجلس، ش: ۱۴۳ (۱۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵).
- _____ ، ش: ۶ (۱۶ شوال ۱۳۲۴).
- _____ ، ش: ۴۰ (۲۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۴).
- _____ ، ش: ۱۲۷ (۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶).
- _____ ، ش: ۱۴۲ (۷ جمادی‌الأول ۱۳۲۶).
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی.
- ندای وطن، ش: ۱۲۷ (۳ ذی‌القعدة ۱۳۲۵).
- وقایع اتفاقیه، ش: ۴۲ (۲۶ محرم ۱۲۶۸).
- یزدانی، سهراب، «انجمن‌های ملی در عصر مشروطیت ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلّم تهران، دوره جدید، سال چهارم و پنجم، بهار ۱۳۷۵- زمستان ۱۳۷۶؛ ص ۲۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی